



عنوان مقاله:
اوصاف و مراتب بهشت در قرآن، از دارالسلام تا جنت فردوس
گیتی شرکا

متن مقاله:

اشاره:

قرآن کریم در بسیاری از آیات خود تصویری از ویژگی‌ها و اوصاف زندگی بهشتیان ارائه می‌دهد که مطالعه در این آیات - که در جای‌جای آنها خداوند مؤمنان پرهیزکار را به چنین پاداشی بشارت می‌دهد - علاوه بر نمودار ساختن هدف باری‌تعالی از خلقت و دوستی بیکرانیش نسبت به انسان، می‌تواند موجب انگیزه در انتخاب راهی باشد که انسان همواره و به‌طور فطری در پی آن بوده است. هم‌چنین درک درست این آیات می‌تواند راهنمایی باشد که پیش از مرگ نیز انسان را از یک زندگی بهشتی بهره‌مند نماید. در نوشته‌های که هم‌اکنون در دسترس است، اینک پیش روی خوانندگان گرامی است نام‌های بهشت و مراتب مختلف آن در قرآن مورد بررسی قرار گرفته و نکته‌هایی درباره این نام‌گذاری‌ها بیان شده است. بهشت موعود دارای مراتب و درجاتی مانند جنت نعیم، مأوا، عدن و فردوس است ولی علاوه بر مراتب، اوصاف و القابی کلی دارد که جا دارد قبل از ورود به این مراتب با بعضی از آن اوصاف مثل دارالسلام، دارالارث، دارالرضا، دارالمقام و فوز عظیم آشنا شویم.

دارالسلام:

در قرآن آیات بسیاری بر وجود نعمت‌ها و اوصاف مادی تصریح دارد که نقطه شروع آن نعمت‌ها، صحرائی محشر است که از آنجا بهشتیان به دارالسلام که یکی از القاب بهشت است خوانده می‌شوند: {وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى دَارِ السَّلَامِ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ} (یونس، آیه 25). دارالسلام نمایانگر محیطی آرام و امن است که سراسر صفا و صمیمیت بوده و صلح و آرامش در آن موج می‌زند. این رستگاران با هدایت نوری که جلو روی آنها می‌درخشد و مسیر را برای آنها روشن می‌کند به سوی بهشت می‌رساند و در همان حال بشارت بهشت‌ها را به آنها داده می‌شود که از زیر درختانش نهرها جاری است {يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَىٰ ثَوْرُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَإِيمَانِهِمْ بَشْرًا كَمِ الْيَوْمِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ} (حدید،

آیه 12) و آثار بشارت که حاکی از مسرت باطنی آنهاست در چهره‌ها؛ 8204#‌؛ های آنها کاملاً نمایان است {وُجُوهُ يَوْمَئِذٍ تَأْمِنُ * لِسَعْيِهَا رَاضِيَةٌ} (غاشیه، آیات 8 و 9). در مدخل بهشت، فرشتگان نگهبان با پیام {ادْخُلُوها يَسْلَامًا آمِنِينَ} (حجر، آیه 46) به آنها خوش؛ 8204#‌؛ آمد می؛ 8204#‌؛ گویند و آرامشی کامل را که نمایانگر خروج هرگونه کینه و کدورتی از سینه؛ 8204#‌؛ های آنهاست به آنها بشارت می؛ 8204#‌؛ دهند {وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِّنْ غَلٍّ إِخْوَاتًا} (حجر، آیه 47). نکته لطیف این که کلمه نزع از معنای خاصی برخوردار است و آن این است که چنان از دل؛ 8204#‌؛ های آنان غل و غش و کینه و کدورت را بیرون می؛ 8204#‌؛ کشیم که گویی هرگز آلودگی و کدورتی نداشته؛ 8204#‌؛ اند.

دارالارث:

«بهشت را به پرهیزگاران به ارث می؛ 8204#‌؛ دهند»: {تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي نُورِثُ مِنْ عِبَادِنَا مَنْ كَانَ تَقِيًّا} (مریم، آیه 63). ارث در دنیا مالی است که بدون هیچ رنج و زحمتی به دست می؛ 8204#‌؛ آید و در مالکیت آن هیچ جای شک و شبهه نیست ولی بهشت، ارثی است که مؤمنان در مقابل اعمال صالحی که در دنیا انجام داده؛ 8204#‌؛ اند از آن بهره؛ 8204#‌؛ مند می؛ 8204#‌؛ شوند.

دارالرضا:

بهشت، عالم تجرد و اطلاق است و برای مؤمنان به مجرد درخواست باطنی و مشیت درونی هرچه بخواهند موجود می؛ 8204#‌؛ شود {لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ} (شوری، آیه 22). در حقیقت اراده انسان در بهشت مظهر اراده الهی شده و معدومات را لباس وجود می؛ 8204#‌؛ پوشاند بنابراین همه؛ 8204#‌؛ چیز برای او مهیاست و به رضایت کامل می؛ 8204#‌؛ رسد. از طرفی راه؛ 8204#‌؛ یافتن به بهشت، نتیجه اطاعت و رسیدن بنده به مقام عبودیت است و از آنجا که رسیدن به مقام عبودیت هدف خداوند از خلقت انسان است، رضای الهی را به دنبال دارد، یعنی بهشت دارالرضاست چون خداوند از بنده، راضی و بنده از خداوند راضی است: {رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ} (مائده، آیه 119).

دارالمقام:

بهشت، دارالمقام یا دارالخلد است و این وصف، بیانگر این نکته است که رستگاران بهشتی برای همیشه در آنجا مخلدند چون بهشت جایگاهی است که کسی از آن بیرون نمی‌آید؛ 8204#؛ رود و به مکان دیگری کوچ نمی‌آید؛ 8204#؛ کند و هیچ؛ 8204#؛ گونه رنج و مشقتی به او نمی‌آید؛ 8204#؛ رسد و از همین؛ 8204#؛ روست که بهشتیان زبان به حمد و ستایش حق می‌آید؛ 8204#؛ گشایند و شکرگزار خداوندی می‌آید؛ 8204#؛ شوند که هرگونه حزنی را از آنها برطرف کرده است: {وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ * الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ الْمُقَامَةِ مِن فَضْلِهِ لَّا يَمَسُّنَا فِيهَا تَصَبٌّ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ} (فاطر، آیات 35 و 34). مسئله خلود در بسیاری از آیات مربوط به بهشت و جهنم آورده شده و این سؤال را در ذهن مطرح می‌آید؛ 8204#؛ کند که با آن که عمر انسان محدود است و میزان اعمال و فعالیت انسان نیز محدود، پس انسان چگونه در بهشت مخلد است؟ پاسخ این است که انسان مؤمن اگر در دنیا هم مخلد بود همیشه با همین خصوصیات زندگی می‌آید؛ 8204#؛ کرد. سؤال دیگر اینکه آیه تخلید حتی در نعمت، خسته؛ 8204#؛ کننده نیست؟ در پاسخ باید گفت، عالم آخرت متنوع است و انسان بهشتی، پویاست نه ایستا زیرا دائماً در معرض تجلیات گوناگون قرار دارد، از تجلیات مادی به رضوان الهی صعود می‌آید؛ 8204#؛ کند و در فضای ربوبیت حق به تماشای آفرینش می‌آید؛ 8204#؛ نشیند بنابراین بهشت جایگاه ماندگار متنوع است. نکته دیگر اینکه انسان بُعدی جاودانه دارد که جز به جاودانگی قانع نمی‌آید؛ 8204#؛ شود چون انسان در ساحت جسم و نفس محدود و در ساحت روح، نامحدود است زیرا روح از عالم خلق نیست بلکه از عالم امر است. {قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي} (اسراء، آیه 85) و عالم امر آغاز و انجام ندارد.

فوز عظیم:

بهشت "فوز عظیم" است یعنی جامع بین نعمت؛ 8204#؛ های مادی و معنوی است و مژده؛ 8204#؛ ای است به مؤمنان به جهت معامله؛ 8204#؛ ای که با خدا کرده؛ 8204#؛ اند و نشان؛ 8204#؛ دهنده این است که خداوند، تنها خریدار مال و جان مؤمنان است: {فَاسْتَبْشِرُوا بِنِعْمِكُمُ الَّذِي بَارَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْقَوْزُ الْعَظِيمُ} (توبه، آیه 111).

مراتب بهشت:

اولین مرتبه از مراتب بهشت جنت نعیم است که همان بهشت افعال است. پوینده راه حق در این بهشت با نعمت‌ها؛ 8204#&؛ هایی چنان وسیع روبه‌رو؛ 8204#&؛ می‌شود که در تصور نمی‌آید؛ 8204#&؛ گنجد: ﴿وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ﴾ (زخرف، آیه 71). توضیح اینکه واژه نعیم هفده بار در قرآن کریم آورده شده که همه درباره نعمت‌ها؛ 8204#&؛ های عظیم بهشت است، غیر از آیه ﴿لِتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ﴾ (تکواثر، آیه 8) که همه مفسران بر این عقیده‌اند؛ 8204#&؛ که منظور از نعیم در آیه مذکور، نعمت ولایت است. چون مراد از نعیم، مطلق نعمت‌ها؛ 8204#&؛ است که خداوند به انسان ارزانی فرموده و مسلماً نعمت ولایت اهل بیت(ع) ارزنده‌ها؛ 8204#&؛ ترین مصادیق نعمت است چون با راهنمایی آنهاست که نعمت‌ها؛ 8204#&؛ ها هرکدام در جای خود به کار گرفته شده و شکر آن گزارده می‌شود؛ 8204#&؛ معصومین(ع) واسطه فیض خالق به مخلوق هستند بنابراین هر انسانی در برابر این نعمت عظیم مورد سؤال قرار خواهد گرفت.

جنت مأوا:

جنت مأوا مرتبه دیگری از بهشت است که با تمام نعمت‌ها؛ 8204#&؛ ها و برکاتش نخستین وسیله پذیرایی از میهمانان الهی است: ﴿أَمْأَا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوَىٰ نُزُلًا يَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ (سجده، آیه 19) زیرا کلمه نُزُل به معنای نخستین چیزی است که با آن از مهمان پذیرایی می‌شود؛ 8204#&؛ کنند و تقدم کلمه لهم بر جنات المأوی نیز اشاره دارد به اینکه خداوند این باغ‌ها؛ 8204#&؛ های بهشت را مخصوص بهشتیان قرار داده و عاریتی نیست و احتمال زوال نعمت‌ها؛ 8204#&؛ ها هرگز آرامش فکر آنها را برهم نمی‌آورد؛ 8204#&؛ زند.

جنت عدن:

جنات عدن از عالی‌ها؛ 8204#&؛ ترین مراتب بهشت است و با توجه به معنای لغوی کلمه عدن، این مکان، در وسط و متن بهشت قرار دارد. فرشتگان از هر دری برای تهنیت وارد شده و به جهت صبر و استقامتی که رستگاران بهشتی از خود نشان داده‌ها؛ 8204#&؛ اند سرانجام زیبا و نیکویی را به آنها بشارت می‌دهند؛ 8204#&؛ و هر یک از نزدیکان آنها را که شایسته باشند با آنها وارد بهشت می‌کنند؛ 8204#&؛ ﴿جَنَّاتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ

بَابِ * سَلَامٌ عَلَيْكُمْ يَمَا صَبْرْتُمْ قِنَعَمَ عُقَبَى الدَّارِ (رعد، آیات 23 و 24). آیه اشاره دارد به اینکه افراد صالح یک خانواده در بهشت نیز در کنار یکدیگرند و از مصاحبت یکدیگر لذت می‌برند. با توجه به اینکه ذکر عنوان بعضی از افراد خانواده مثل پدر، همسر و فرزند دلالت بر خصوصیتی ندارد و شامل همه افراد خانواده می‌شود، عدم ذکر نام مادر به جهت آوردن کلمه ازواج است که پدر و مادر هر دو را شامل می‌شود. همچنین که برادران و خواهران و عموها و دایه‌ها و اولاد آنها هم در واقع ذریه‌ها و پدران‌ها و پدربزرگان‌ها و نیاپدربزرگان‌ها و ... شامل آنها می‌شود.

یکی از امتیازات قرآن کریم بیان پرمحتواترین مطالب در کوتاه‌ترین کلمات است که یکی از آن کلمات سلام است. سلام یکی از نام‌ها و صفات خداوند و تهنیت خداوند بر پیامبران است: {سَلَامٌ عَلٰى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ} (صافات، آیه 79) {سَلَامٌ عَلٰى مُوسٰى وَهَارُونَ} (صافات، آیه 120). سلام، تبریک الهی بر بهشتیان است، سلام، زمزمه فرشتگان است، سلام، کلام بین‌المللی تمام مسلمانان است، سلام، پیامی است که سلامتی، احترام، دعا و امنیت را به ارمغان می‌آورد.

نکته بسیار جالب آیه که جمله بما صبرتم به آن اشاره دارد این است که در نظام الهی همه چیز حتی به کاربردن کلمات، بر مبنای ایمان و عمل صالح است. چنانچه سلام فرشتگان نیز به جهت صبری است که اهل ایمان در مصیبت و معصیت و طاعت کرده‌اند.

جنت فردوس:

فردوس بالاترین مراتب بهشت است. این کلمه دوباره در قرآن کریم آورده شده و وسعت نعمت‌ها و بهشتی را نشان می‌دهد و چنین به نظر می‌رسد که مقامی فوق بهشت و جهنم و ثواب و عقاب است زیرا با وجود اینکه تمام مراتب و درجات عالم ملکوت چه نعمت‌ها و مادی و چه نعمت‌های معنوی مطلق و غیر مشوب به نواقص هستند ولی خداوند متعال برای بعضی از بندگان خاص خود نعمت‌هایی را مخفی نگه داشته که از سعه افهام نفوس و ادراک اذهان خارج است چنانچه در روایت صحیح از رسول خدا (ص) وارد شده است که: " خداوند فرمود: من برای بندگان صالح خود چیزهایی را

مهبيا كرده‌#ام كه هيچ چشمي نديده و هيچ گوشي نشنيده و بر هيچ دلي
خطور نكرده است، از اين نعيم بهشتي كه من شما را آگاه كرده‌#ام سخن
نگوييد و دست از كنجكاوي برداريد و اگر مي‌#خواهيد اجمالاً در اين ارتباط
چيزي بدانيد، اين آيه را قرائت كنيد: {قَلَّا تَعْلَمُ تَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُم مِّن قُرَّةِ
أَعْيُنٍ}(سجده، آيه 17). (تفسير مجمع‌#البیان، الشيخ ابي
علي‌#الفضل بن حسن‌#الطبرسي طبع صيدا، ج 4، ص 33). اين روايت
را بخاري و مسلم هر دو بيان كرده‌#اند.
در سير مواهب و نعمت‌#هاي بهشت به اينجا مي‌#رسيم كه فردوس
بهترين و برترين مراتب بهشت است و با اينكه طبع تحول طلب انسان دائماً تقاضاي
دگرگوني و تنوع مي‌#كند ساكنان فردوس هرگز تقاضاي نقل مكان و تحول
نخواهند كرد: {إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا * خَالِدِينَ
فِيهَا لَا يَبْغُونَ عَنْهَا حِوَلًا} (كهف، آيات 107 و 108).
يكي ديگر از مراتب والاي بهشت كه آيات مباركه به تصريح بيان مي‌#كند
غرفه‌#هاي آن است. غرفه در لغت به اتاق فوقاني گویند كه بر روي
اتاق‌#هاي ديگر ساخته شده است و محل عالي و مرتفع از خانه و قصر است
و در روايات نيز كنايه از درجه عالي در بهشت است كه به افراد خاصي عنايت
مي‌#شود: {لَكِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ غُرَفٌ مِّن قَوْفٍهَا غُرَفٌ مَّبْنِيَّةٌ تَجْرِي مِّن
تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَعَدَّ اللَّهُ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ الْمِيعَادَ}(زمر، آيه 20). غرفه‌#هاي بهشت
هم از نظر جاياگاه و هم از نظر پاياگاه در اعلي مراتب بهشت است زيرا اهل تقوا از نظر
جاياگاه در عمارات بلندي كه به اطراف اشراف دارد، قرار دارند و از نظر پاياگاه نيز در
مقام والايي قرار دارند.

تصوير بهشت در قرآن:

گيتي شركاء

به‌#دنبال ارائه تصوير بهشت و بهشتيان در قرآن كريم در شماره 119 مجله
گلستان قرآن، اکنون با سير در آيات قرآن به تماشاي نعمت‌#هاي سرشار از
زيبايي و عظمت درون بهشت مي‌#نشينيم و به ترتيب به بحث و بررسي
درباره بهره‌#مندی هريك از آنها مي‌#پردازيم.

جایگاه بهشتیان در بهشت:

بهشتیان در محیطی مملو از صلح و صفا و عشق و محبت بر تخت‌های 8204#؛ بلندی که کاملاً به اطراف اشراف دارد: {فِيهَا سُرُرٌ مَّرْفُوعَةٌ} (غاشیه، آیه 13) و بر روی آنها فرش‌های 8204#؛ های گران‌بهای 8204#؛ گسترده‌های 8204#؛ اند: {وَوَرَائِيَّ مَبْنُوتَةٌ} (غاشیه، آیه 16) و بالش‌های 8204#؛ های به‌ترتیب و منظم بر آنها چیده شده است: {وَتَمَارِقٌ مَّصْفُوفَةٌ} (غاشیه، آیه 15) روی یکدیگر تکیه زده‌های 8204#؛ اند: {مُتَّكِنِينَ عَلَيْهَا مُتَقَابِلِينَ} (واقع، آیه 16) و به تماشای نعمت‌های 8204#؛ های عظیم الهی مشغول‌های 8204#؛ اند: {عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ} (مطففین، آیه 23) سریر تختی است که سرور و شادی در استفاده از آن مورد نظر است و بلند بودن این تخت هم اشاره به جایگاه بلند بهشتیان دارد یعنی وقتی بر روی آن تکیه می‌زنند مجموع زیبایی‌های 8204#؛ اطراف، زیرنظر آنهاست و نیز اشاره‌های 8204#؛ ای است به پایگاه رفیع و مقام و مرتبه والای آنان و روبه‌های 8204#؛ رو نشستن آنان نیز کنایه از نهایت انس و حسن معاشرت و صفای باطن ایشان دارد.

خدمتگزاران بهشتی:

نوجوانانی همچون مرواریدهایی در صدف گرداگرد بهشتیان گردش می‌کنند و هر لحظه آماده خدمتگزاری هستند: {وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ غِلْمَانٌ لَهُمْ كَأَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَّكَوْنٌ} (طور، آیه 24). غلمان نیز مانند حور از مخلوقات بهشتی است که خداوند برای خدمتگزاری به بهشتیان خلق کرده است و از شدت زیبایی و صفا مانند مرواریدی است که در صدف جای دارد زیرا تا زمانیکه مروارید در صدف است و هنوز در معرض آلودگی هوا و دست‌های 8204#؛ ها قرار نگرفته، کاملاً شفاف و درخشان است. طراوت و نشاط و زیبایی این نوجوانان چنان چشمگیر است که در مجالسی که ایشان خدمت می‌کنند گویی مروارید نثار کرده‌های 8204#؛ اند: {وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُّخَلَّدُونَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ حَسِبْتَهُمْ لُؤْلُؤًا مَّنثورًا} (دهر، آیه 19).

ظروف بهشتی:

در گرداگرد بهشتیان ظرف‌های 8204#؛ ها و قدح‌های 8204#؛ های بلورینی از نقره می‌گردانند 8204#؛ {وَيُطَافُ عَلَيْهِمْ بِآيَاتٍ مِّنْ فَضْوَةٍ وَأَكْوَابٍ كَانَتْ قَوَارِيرًا} (دهر، آیه 15).

نکته جالب اینکه ظروف بلورین بهشتی از نقره ساخته شده است یعنی هم شفافیت و صفای بلور را دارد و هم درخشندگی و زیبایی نقره را.

آیه مبارکه سوره زخرف نیز اشاره به کاسه#8204ها و کوزه#8204ها؛ های زرین و طلایی دارد: {يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِصِحَافٍ مِّنْ ذَهَبٍ وَأَكْوَابٍ وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ وَأَنْتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ} (زخرف، آیه 71) و در ادامه آیه، خدای سبحان تمام نعمت#8204های بهشتی را در عبارتی کوتاه جمع می#8204کند؛ به#8204گونه#8204؛ ای که اگر تمام خلایق بخواهند انواع نعمت#8204های بهشتی را توصیف کنند نمی#8204توانند و صفی پیدا کنند که این عبارت شامل آن نباشد چون می#8204فرماید آنچه دل می#8204خواهد و چشم از آن لذت می#8204برد در بهشت وجود دارد و چون ارزش واقعی نعمت به همیشگی بودن آن است در فراز آخر آیه می#8204فرماید: «شما جاودانه در آنجا خواهید ماند».

لباس#8204ها و زیورهای بهشتی:

بهشتیان با دستبندهایی از طلا و مروارید زینت می#8204شوند و به آنها لباس#8204هایی از حریر سبز می#8204پوشانند {جَنَاتٌ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَيَلْبَسُونَ ثِيَابًا خُضْرًا مِّنْ سُندُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ} (کهف، آیه 31). هر آیه#8204؛ ای از آیات قرآن کریم که در آن سخن از زینت#8204آلات و لباس بهشتیان آمده اشاره دارد به اینکه زینت#8204های بهشتیان از طلا و نقره و مروارید و لباس#8204های آنان از حریر نازک و ضخیم و به رنگ سبز است. انتخاب رنگ سبز بدان جهت است که رنگ سبز مانند برگ درختان بسیار نشاط#8204آور و آرام#8204بخش است: {عَالِيَهُمْ ثِيَابٌ سُنْدُسٍ خُضْرٌ وَإِسْتَبْرَقٌ وَحُلُّوا أَسَاوِرَ مِنْ فِضَّةٍ} (دهر، آیه 21). توضیح اینکه: پوشیدن لباس در بهشت به جهت زیبایی و تنوع است نه سرما و گرما.

مشروبات بهشتی:

گرداگرد بهشتیان قدح#8204هایی از شراب طهور را می#8204گردانند، شرابی که سفید و درخشنده و لذت#8204بخش است و موجب فساد و تباهی عقل نمی#8204شود: {يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِكَأْسٍ مِّنْ مَّعِينٍ * بَيْضَاءَ لَدَّةٍ لِّلشَّارِبِينَ * لَا فِيهَا عَوْلٌ وَلَا هُمْ عَنْهَا يُنْزَفُونَ} (صافات، آیات 45 و 46 و 47): {فِيهَا أَنْهَارٌ مِّنْ مَّاءٍ غَيْرِ آسِينِ

وَأَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُ وَأَنْهَارٌ مِنْ خَمْرٍ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ وَأَنْهَارٌ مِنْ عَسَلٍ
مُصَقًّى (محمد، آیه 15). نهرهایی از آب گواراست که هیچ#8204؛ وقت بدبو نخواهد
شد و نهرهایی از شیر است که هیچ#8204؛ وقت طعم آنها تغییر نخواهد کرد زیرا
بهشت جای فساد و تباهی نیست و نهرهایی است از عسل خالص و پاکیزه و
همچنین نهرهایی از شراب طهور که بسیار لذت#8204؛ بخش است و ناگفته
پیداست که شراب بهشتی هیچ#8204؛ گونه ارتباطی با شراب آلوده دنیا ندارد.
شراب بهشتی شرابی نیست که به#8204؛ صورت تدریجی و مخفیانه در وجود
انسان نفوذ و سلسله اعصاب را مختلف کند و عقل و هوش را از بین ببرد بلکه شرابی
است پاک و پاک#8204؛ کننده و خالی از رنگ#8204؛ های شیطانی، سفید و
شفاف که برای نوشندگان بسیار لذت#8204؛ بخش است.

در آیه مبارکه سوره طور منازعه اهل بهشت در نوشیدن شراب مطرح
می#8204؛ شود: {يَتَنَزَّعُونَ فِيهَا كَأْسًا لَّا لَعْوٌ فِيهَا وَلَا تَأْتِيمٌ} (طور، آیه 23).
«جام#8204؛ های لبریز از شراب از یکدیگر می#8204؛ گیرند، شرابی که نه
مستی و آلودگی در آن است و نه گناه». یتنازعون می#8204؛ تواند اشاره به این
باشد که بهشتیان به#8204؛ عنوان شوخی و مزاح و افزایش سرور و انبساط،
جام#8204؛ های پر از شراب را از دست یکدیگر می#8204؛ کشند و
می#8204؛ نوشند.

نکته جالب دیگری که در سوره مبارکه دهر آمده، ذکر سه نوع شراب است: شراب
کافوری، شراب زنجبیلی و شراب طهور: {إِنَّ الْأُبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا
كَافُورًا} (دهر، آیه 5). آیه مذکور تأکید یا قرینه#8204؛ ای بر اینکه ابرار، شراب کافوری
را در بهشت می#8204؛ نوشند ندارد بلکه می#8204؛ فرماید: نیکوکاران شرابی
آرام#8204؛ بخش می#8204؛ نوشند که نشان#8204؛ دهنده این است که ابرار
در همین دنیا نیز از چنین شرابی می#8204؛ نوشند و از این مطلب کاملاً مشهود
است که نیکوکاران دل به خدا بسته از آرامش خاصی برخوردارند.

نوع دیگری از شراب که به بهشتیان می#8204؛ نوشاند شراب زنجبیلی است:
{وَيَسْقُونَ فِيهَا كَأْسًا كَانَ مِزَاجُهَا زَنْجَبِيلًا} (دهر، آیه 17). شراب زنجبیلی شراب تندی
است که عشق#8204؛ آفرین است و حرکت به#8204؛ سوی محبوب را سرعت
می#8204؛ بخشد. آیات اشاره دارند به اینکه شراب کافوری را خود
می#8204؛ نوشند ولی شراب زنجبیلی را به آنها می#8204؛ نوشاند.

شراب سومي که ساقی آن خود خداوند است شراب طهوري است: {وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا} (دهر، آیه 21). طهور به معنای چیزی است که هم پاک است و هم پاک#8204‌کننده، بنابراین شراب طهور جسم و روح را پاک نموده و چنان نورانیت و نشاطی می#8204‌بخشد که قابل توصیف نیست.

این شراب پرده#8204‌های غفلت را می#8204‌درد و حجاب#8204‌ها را از بین می#8204‌برد و انسان را شایسته حضور دائم در جوار قرب الهی می#8204‌کند.

شراب طهور با دست ساقی الست داده می#8204‌شود و انسان را از ماسوی#8204‌اللّه خالی کرده، غرق در جمال و جلال الهی می#8204‌کند.

گویي همان#8204‌گونه که دنیا مزرعه آخرت و زمينه#8204‌ساز

نعمت#8204‌های اخروي است نوشیدن و نوشاندن این سه نوع شراب هم از دار دنیا آغاز شده و حالات مختلف سالک را در سیر و سلوک نشان می#8204‌دهد و

ظهور تام آن در دار آخرت است زیرا یک گروه از سالکان وقتی تحت#8204‌تأثیر

جاذبه#8204‌های الهی قرار می#8204‌گیرند چنان تند حرکت می#8204‌کنند

که حتی نیم#8204‌نگاهی هم به پشت#8204‌سر خود نمی#8204‌اندازند.

این رهروان را باید با شراب کافوري آرام کرد. گروه دوم در سیر به سوی حق، حرکتی

آهسته دارند گویی نمی#8204‌دانند که راهی طولانی در پیش دارند به همین

جهت به کام آنها شرابی زنجبیلی می#8204‌ریزند که تند و عشق#8204‌انگیز

است و حرکت را تسریع می#8204‌کند و در کام هر دو گروه بعد از سلوک راه حق

شراب طهور می#8204‌ریزند که تعلقات را می#8204‌سوزاند و سالک را به

مرحله#8204‌ای از قرب می#8204‌برد که جایی برای غیرحق باقی

نمی#8204‌ماند.

در آیه#8204‌ای دیگر سخن از می#8204‌صافی سربسته#8204‌ای از چشمه

تسنیم است که مقربان درگاه الهی از آن می#8204‌نوشند. این شراب، شرابی

است ناب و بی#8204‌غش که در ظرف#8204‌های سربسته و مهر شده قرار

دارد و مهر آن از مُشک است و مشتاقان چنین شرابی در ربودن آن به رقابت

می#8204‌پردازند: {يُسْقَوْنَ مِنْ رَحِيقٍ مَخْتُومٍ * خِتَامُهُ مِسْكٌ وَفِي ذَلِكَ فَلَيْتَاتِنَاقِسِ

الْمُتَنَافِسُونَ * وَمِمَّا جَاءَهُ مِنْ تَسْنِيمٍ * عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ} (مطففین، آیات 25 و

26، 27 و 28) تنافس به معنای تمّی و تلاش و رقابت دو انسان برای در اختیارگرفتن

یک شی#8204‌ء نفیس است و در آیه فوق به معنای مسابقه است و بشر را

ترغیب می‌کند تا به سوی آن نعمتی که با عبارت رحیق مختوم توصیفش کرده است بشتابد. شراب‌های بهشتی از سرچشمه‌های گوناگون به صورت‌های مختلف جریان دارند. بعضی نهرهایی جاری هستند، بعضی از زمین فوران می‌کنند، بعضی مانند آبشار از بالا فرو می‌ریزند که این همان شراب تسنیم است که هیچ‌یک از نوشیدنی‌های بهشتی به پای آن نمی‌رسد.

خوردنی‌های بهشتی:

سفره عظیم خوردنی‌های الهی در بهشت بیش از گوشت تأکید بر میوه دارد که اشاره‌ای است به برتری میوه بر گوشت و هشدار است برای انتخاب غذا در دنیا: {وَأَمَدَدْنَاهُمْ بِفَاكِهَةٍ وَلَحْمٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ} (طور، آیه 22). کلمه امددنا افزایش مداوم را نشان می‌دهد و این معنا را می‌رساند که میوه‌ها و غذاهای بهشتی آنچنان نیست که با خوردن، کمبودی در آنها حاصل شود یا در فصل خاصی وجود داشته باشد بلکه همیشگی و مستمر است: {لَكُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ كَثِيرَةٌ مِنْهَا تَأْكُلُونَ} (زخرف، آیه 73). کلمه منها اشاره دارد به اینکه وفور نعمت به گونه‌ای است که بهشتیان هرچه از خوردنی‌های بهشت مصرف کنند جزئی از آنها را می‌توانند تناول کنند.

در آیه کوتاه دیگری در سوره رحمن سخن از شاخه‌های درختان دو بهشت است و اینکه بر هر شاخه‌ای از هر درخت، نوعی از میوه وجود دارد و این شاخه‌ها هیچ‌وقت پیر و فرسوده نشده و از طراوت و زیبایی آنها کاسته نمی‌شود: {ذَوَاتَا أَفْتَانٍ} (رحمان، آیه 48). کوتاه و مبهم بودن آیه به شنونده تفهیم می‌کند که هرگونه توصیفی از این نعمت‌ها محدود کردن آنهاست.

در آیه دیگری سخن از درختی سبز و خوش‌رنگ و خوش‌بو می‌رود که میوه‌های شیرین و خوش‌طعم شبیه موز دارد. این درخت به گونه‌ای است که ساقه و شاخه‌هایش از میوه پوشیده شده است: {وَطَلْحٍ مَّنصُورٍ} (واقع، آیه 29).

در قسمت دیگری از این کتاب عظیم از باغ‌های انبوه و انواع انگورها نام

می‌‌برد: {حَدَائِقَ وَأَعْنَابًا} (نبأ، آیه 32). ذکر این میوه به جهت فوائد بسیاری است که در آن وجود دارد. در مجموع، آیات بر این نکته تأکید دارند که میوه‌‌های بهشتی کاملاً در دسترس بهشتیان قرار دارد و چیدن آنها نیاز به هیچ رنج و زحمتی ندارد: {قُطُوفَهَا دَانِيَةٌ} (حاقه، آیه 23). دیگر اینکه این میوه‌‌ها محدود به فصل خاصی نبوده و در استفاده از آنها هیچ مانعی وجود ندارد: {وَوَاقِهَةٌ كَثِيرَةٌ * لَّا مَقْطُوعَةٌ وَلَا مَمْنُوعَةٌ} (واقعه، آیات 32 و 33). قرآن کریم در ارتباط با غذاهای بهشتی تنها در سوره مبارکه طور که قبلاً ذکر شد اشاره به گوشت نموده و در آیه دیگری نیز گوشت پرندگان را مطرح می‌‌کند که رستگاران بهشتی از هر نوع گوشت پرنده که اشتها دارند برایشان آماده است: {وَلَحْمَ طَيْرٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ} (واقعه، آیه 21).

همسران بهشتی:

یکی دیگر از نعمت‌‌های عظیم بهشت، وجود همسرانی پاک و پاکیزه است: {قُلْ أُوْتِيْتُكُمْ بِخَيْرٍ مِّنْ دَلِكُمْ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَأَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ} (آل عمران، آیه 15). در واقع قرآن کریم در این آیه مبارکه به افراد با ایمان اعلام می‌‌کند که اگر از لذات نامشروع و هوس‌‌های سرکش و آمیخته با گناه اجتناب کنند مفهوم آن، محرومیت از لذات نخواهد بود زیرا علاوه‌‌بر اینکه می‌‌توانند از لذات مشروع در دار دنیا بهره ببرند از لذات جهان دیگر نیز که در سطح بسیار عالی قرار دارد نیز بهره‌‌مند خواهند شد و همسرانی پاک و پاکیزه در انتظار آنهاست. آیات در توصیف این زنان از جمال ظاهری و معنوی آنها بحث و گفت‌‌وگو می‌‌کند از جمله اینکه زیبارویان بهشتی خلقی نیکو و صورتی بسیار زیبا دارند: {فِيهِنَّ خَيْرَاتٌ حِسَابٌ} (رحمان، آیه 70) که اشاره‌‌ای است به کمال زیبایی و جمع بین حسن سیرت و حسن صورت در آنان؛ زیرا این زنان چشمانی درشت و سیاه و شفاف دارند و در زیبایی و لطافت همچون مروارید در صدف‌‌اند: {وَحُورٌ عِينٌ * كَأَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ} (واقعه، آیات 22 و 23) که این خود علاوه بر لطافت و زیبایی نشان‌‌دهنده دست‌‌نخوردگی آنان است زیرا مروارید تا زمانی که در صدف است تلالؤ و درخشندگی خاصی دارد. آیه دیگری عفت و حیای این حوریان را مطرح می‌‌کند که دست هیچ جن و

انسی به آنان نرسیده و به‌#دنبال این جمال معنوی جمال ظاهری آنان را
این‌#گونه توصیف می‌#کند که آنان در صفای رنگ و درخشندگی مانند
یاقوت و مرجان‌#اند که اشاره‌#ای است به زیبایی
فوق‌#العاده آنان: {لَمْ يَطْمِئُنْ بِسَبَأٍ لَّنَا وَلَا جَانِّ} (رحمان، آیه 56)، {كَأْتُهُنَّ
الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ} (رحمان، آیه 58). این زیبارویان به همسرانشان عشق
می‌#ورزند و خوش‌#زبان و فصیح هستند و با همسران خود هم سنّ
و سال‌#اند {عُرُبًا أَتْرَابًا} (واقع، آیه 37). آیه به محبت و عشق بین آنها با
همسرانشان و همچنین تفاهمی که با هم دارند اشاره دارد.
آیه دیگری مطرح می‌#کند که این سیاه‌#چشمان زیبارو نگاه خود را از
دیگران بریده و با ناز و کرشمه‌#ای خاصّ فقط چشم به همسران خود
دوخته‌#اند: {وَعِنْدَهُمْ قَاصِرَاتُ الطُّرْفِ عِينٌ} (صافات، آیه 48). در مجموع اینکه
این آیات، تصویری از زنان در بهشت ارائه می‌#دهد که قابل‌#تصوّر
نیست.

و حقیقت مطلب اینکه توصیف نعمت‌#های گران‌#قدر و
بی‌#نظیر بهشتی با هیچ زبان و قلمی ممکن نیست و هیچ‌#کس
نمی‌#داند که به پاداش نیکو کاری‌#هایش چه نعمت‌#ها و
لذت‌#های بی‌#نهایتی در انتظار او خواهد بود.

منابع و مراجع:

منبع: www.maarefquran.org